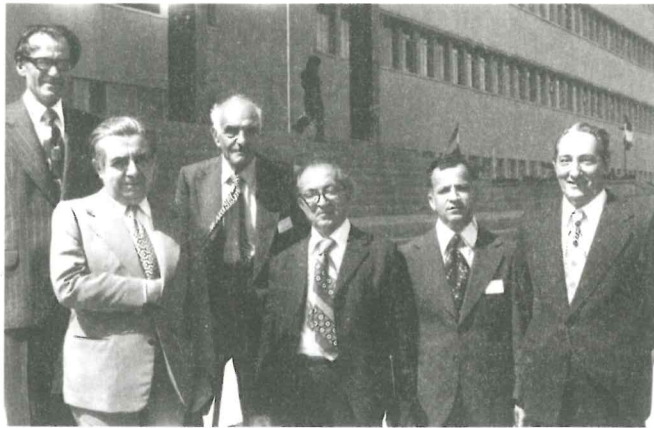




از راست: محمدامین ریاحی، مهدی محقق، مجتبی مینوی، حبیب یغمائی، اصغر مهدوی، جعفر شهیدی

نشریه ادبی، تاریخی، و انتقادی یغما به مدیریت و سردبیری حبیب یغمائی (۱۲۷۷-۱۳۶۳ ش) رسماً در فروردین ۱۳۲۷ در تهران تأسیس گردید و به مدت سی و یک سال مرتباً به طور ماهانه انتشار یافت. اولین شماره در روزهای پایانی فروردین ۱۳۲۷ و آخرین شماره آن پس از وقوع انقلاب در اواخر اسفند ۱۳۵۷ منتشر شد. یغمائی در نخستین شماره یغما اهداف خود را از آغاز انتشار مجله بیان کرده و در سرمقاله آخرین شماره به طور ضمنی اعلام تعطیلی کرده است.

یغمائی پس از ترک دامغان در سال ۱۳۰۰ ش و ورود به تهران در حالی که جوانی ۲۳ ساله بود به فکر انتشار نشریه افتاد. پس با تقاضای او امتیاز مجله یغما در همان سال به نامش صادر گردید، اما او توفیق تأسیس و انتشار مجله را در آن سال‌ها پیدا نکرد. دو سال بعد، در سال ۱۳۰۲ امتیاز مذکور را به وزارت معارف برگرداند و تقاضا کرد به جای آن امتیاز نشریه «اندرز» را به وی بدهند. این درخواست در تاریخ ۱۴ جوزای ۱۳۰۲ به تصویب شورای عالی معارف رسید.

مجله «اندرز» هم هیچ‌گاه منتشر نشد و یغمائی در فروردین ۱۳۲۲ امتیاز «روزنامه یغما» را از شورای عالی فرهنگ گرفت. او با آزادی‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ قصد ورود به دنیای سیاست و روزنامه‌نگاری را داشت. روزنامه یغما از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ به طور متناوب بر کیوسک مطبوعات قرار گرفت و چند شماره از آن منتشر گردید و صفحه آخر آن به زبان فرانسه بود. اما یغمائی، که در آن زمان سردبیر نامه فرهنگستان شده بود، رغبتی به ادامه کار روزنامه‌نگاری نداشت، پس امتیاز آن را در اختیار جهانگیر تفضلی، صاحب روزنامه ایران ما، گذاشت که روزنامه‌اش به تازگی توقیف شده بود و یغما به جای آن انتشار می‌یافت. اندکی نگذشت که یغما هم توقیف شد و یغمائی نامه‌ای به قوام السلطنه، رئیس الوزرای وقت، نوشت و تقاضای رفع توقیف کرد.

مجله یغما از پیدایش تا زوال*

سیدعلی آل دود

یغما

شماره اول فروردین ۱۳۲۷ سال اول

انتشار مجله یغما

بیاری خداوند متعال انتشارنامه یغما را آغاز می‌کنیم.

افتخار ادبی وطن عزیز ما ایران از قریب‌های بسیار پیش واز روزگاران دیر باز داستانی است که بر هر سر بازاری هست. با این همه در قرن اخیر که مطبوعات کشور بسبب امروز بوجود آمده، و اندک اندک بر گرمی بازار آن افزوده، و بپایه کنونی رسیده است، هیچگاه مجموعه و مجله جدی آن رشد و رسیدگی را نیافته که ریشه بدو اند و بپای خود بایستند، و خواهند گان و مشتریانی پیدا نکرده که بعد اقل در آمد آن با هزینه برابر او فتند.

برای اینکه اینگونه مطبوعات ایران را بانوع خود از مطبوعات کشورهای همانند و همسنگ وسیله سنجشی باشد، و مطلب آشکارا تر شود، کافی است متوجه شویم که از آغاز تأسیس مجله «الهیال» مصر اینک ۵۶ سال میگذرد، این مجله در این مدت در دنیای ادب چندان رواج و شهرت یافته و در تمام کشورهای چنان جای خود را باز کرده که تصور می‌رود کمتر کسی است که به ادبیات عرب تعشق ورزد و خواهند و خواننده آن نباشد. در مملکت ما هم در ظرف این مدت مجلاتی ارجمند و بر مغز چون: «بهار» و «دانشکده» و «آینده» و «ارمغان» و «سخن» و امثال آن بوجود آمده اند، اما هر یک

یغمائی سپس مجدداً امتیاز نشر مجله یغما را گرفت و نخستین شماره در فروردین ۱۳۲۷ منتشر گردید. وی در سرمقاله آن هدف از انتشار مجله یغما را انتشار و شناساندن و بازگفتن و بازنوشتن آثار و گفتار بزرگان و هنرمندان ایران زمین خواند و تصریح کرد از درج مقاله‌های سودمند ابا نخواهد کرد، ولو آنکه نویسنده به مشرب‌های گوناگون ادبی و سیاسی و اجتماعی تعلق خاطر داشته باشد. هدف اصلی انتشار افکار جدی و اصولی است که در نهایت جامعه ایران از آن بهره تواند برد. او اشاره می‌کند که آثار گویندگان امروز را نیز با احتیاط بررسی و مندرج خواهد کرد و ضمناً در هر شماره از درج مختصر حوادث ایران و جهان کوتاهی نخواهد کرد و فهرست‌وار متذکر آنها می‌شود.

مندرجات مجله یغما تقسیم‌بندی خاصی نداشت. هر شماره متضمن سرمقاله و چندین مقاله و گفتار بود. سرمقاله‌ها را به‌خصوص در سال‌های نخستین انتشار معمولاً خود یغمائی می‌نوشت، اما در سال‌های بعد مقالات کسانی چون مجتبی مینوی، سیدحسن تقی‌زاده، دکتر غلامحسین یوسفی،

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن و چند تن دیگر در ابتدای مجله قرار می‌گرفت. صفحات آخر مجله هم اختصاص به چند بخش کوتاه داشت، اما در برخی شماره‌ها تغییراتی در آن راه می‌یافت. این بخش‌ها شامل حوادث ایران و جهان، معرفی و نقد کتاب‌های تازه، وفیات معاصران، نامه‌های خوانندگان و بخشی تحت عنوان «از هر خرمنی خوشه‌ای» بود، اما در سال‌های اخیر این بخش حذف شده است.

یغما از همان آغاز انتشار هدف اصلی خود را نشر ادب اصیل فارسی قرار داده بود. با این حال این‌گونه نبود که سراسر به گذشته توجه نماید. گاهی در طرح بعضی از مسائل فرهنگی و اجتماعی پیش قدم می‌شد. مقاله‌هایی که از مجتبی مینوی و سیدفخرالدین شادمان در این مقوله منتشر گردیده دارای ارزش خاصی بود. ترجمه‌های علی‌محمد عامری از مقاله‌های سیاسی دقیق بود و با انشائی شیوا نگارش یافته و از اهمیت خاصی برخوردار بود.

یغما در طول انتشار خود همکاران برجسته و دانشمندی داشت که چاپ نوشته‌های آنان بر اعتبار مجله همواره می‌افزود. در سال‌های نخست انتشار، به‌طور مرتب مقالات محمدعلی فروغی، سیدحسن تقی‌زاده، مجتبی مینوی، دکتر محمد معین، جلال‌الدین همایی، بدیع‌الزمان فروزانفر، علامه قزوینی، علامه دهخدا، و پورداود و در سال‌های بعد پژوهش‌های ایرج افشار، دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر جعفر شهیدی، دکتر اسلامی ندوشن، و باستانی‌پاریزی و محققان دیگری از این قبیل در آن انتشار می‌یافت.

نهان‌خانه ضمیر نویسندگان بر صفحه کاغذ نقش نمی‌بست و به دست خوانندگان نمی‌رسید».

مندرجات یغما افزون بر مباحث تاریخی، ادبی، جغرافیائی شامل خاطرات رجال سیاست و ادب، برخی مقالات سیاسی و اجتماعی و به‌خصوص سروده‌های برجسته شاعران سنت گرای معاصر است. یغمائی شعرشناسی بصیر و آگاه بود و به این سبب اشعار انتخابی او برای درج در مجله یغما ویژگی‌های خاص خود را داشت. او حتی از درج شعرهای شاعران گمنام و ناشناس معاصر به‌خصوص شهرستانی‌ها ابا نداشت. چه‌بسا این گمنامان که شعرشان اول بار در یغما به چاپ رسیده بود بعداً در شمار سرایندگان مشهور معاصر درآمدند.

یغما گاه به مسائل روز هم توجه نشان می‌داد. این رویکرد حتی بیش از مندرجات نشریه سخن بود که به هر حال نوگراتر از یغما به شمار می‌آمد. به‌ویژه مقاله‌های دکتر اسلامی ندوشن اکثراً به نحوی به مسائل روز، که خواه ناخواه رنگ سیاسی داشت، مرتبط بود. و گاه کنایاتی در نوشته‌هایش به کار می‌رفت که موجب گرفتاری برای مجله و توقیف آن می‌گردید. یغمائی البته از اینکه مجله‌اش اندکی از موضوعات مهم مردم ایران را در خود منعکس می‌ساخت راضی و خشنود بود. یغما هرگز خود را به حکومت‌ها وابسته نساخت و کم‌آلوده‌تر بود.

یغما با آنکه مجله‌ای تحقیقاتی بود و به ادب کهن ایران تعلق خاطر داشت و از مشی سیاسی برکنار می‌ماند و

معمولاً به ادب و فرهنگ کهن ایران اکتفا می‌کرد، گاه جریان‌ات روحی مردم ایران را بیشتر از نشریه‌های سیاسی در خود منعکس می‌کرد، زیرا آن مقدار اندک از مسائل روز که در خلال مقاله‌هایش نمودار می‌شد می‌توانست در برابر نشریات سیاسی، که همه یک ترجیع‌بند را می‌خواندند، زبان‌گویی باشد. هر چند نویسندگان یغما دارای مشرب‌های سیاسی گوناگون بودند.

بیشتر مقالات مندرج در یغما حاصل تحقیقات و پژوهش‌های ایرانیان دانشمند است، اما گاه یغما مبادرت به ترجمه آثار برجسته ایران‌شناسان نیز نموده است، به گونه‌ای که اغلب آثار منتشره در آن ارزنده و حاوی فایده برای

یغما

شماره مسلسل ۳۶۶

سال سی و یکم
شماره دوازدهم
اسفند ماه ۱۳۵۷
ربیع‌الثانی ۱۳۹۹

فهرست مندرجات

صفحه :	
۷۰۵	پایان سال سی و یکم : حبیب یغمائی
۷۱۱	آواره : فریدون توللی
۷۱۲	نوزدهم و بیستم آذر دد تهران : دکتر محمد علی اسلامی ندوشن
۷۱۵	تهران : حبیب یغمائی
۷۱۸	عبرت : استاد امیری فیروزکوهی
۷۱۹	از یادداشت‌های يك استاد : حبیب یغمائی
۷۲۱	غافل از یاد خدا : اقبال یغمائی
۷۲۲	خاندان دولتشاهی : محمد حسین جلیلی
۷۲۵	گذار زن از گذار زندگی : دکتر باستانی پاریزی
۷۳۱	داستان یوسف : اقبال یغمائی
۷۴۱	علی محمد عامری : ایرج افشار
۷۴۴	اعترافات هبرون : دکتر جواد شیخ‌الاسلامی
۷۵۳	سیرت زیبا : دکتر هادی جلوه
۷۵۴	نامه استاد : دکتر ایرج دهقان
۷۵۷	به استاد باستانی پاریزی : دکتر علی صدرات نسیم
۷۵۸	برای کتابخوانان
۷۶۱	فهرست مطالب و نویسندگان دوره سی و یکم

سایر محققان بوده است، به گفته سعیدی سیرجانی: «از بیست و چند هزار صفحه دوره سی و یک ساله یغما، بیش از ده هزار صفحه آن مطالب بکر و خواندنی است که اگر یغمائی نبود غالباً از

یکی از بخش‌های نسبتاً ثابت مجله، معرفی و نقد کتاب‌های تازه منتشر شده در زمینه‌های تاریخی، ادبی، ایران‌شناسی، کتاب‌شناسی و رشته‌های مشابه بود. مجله خود را ملزم می‌دانست که هر کتابی به دفتر مجله می‌رسید حداقل مطالب کوتاهی در باب آن بنویسد، این مطالب را معمولاً خود یغمائی می‌نوشت یا برخی را که سزاوار بررسی و نقد مفصل می‌شمرد به همکاران یغما از قبیل ایرج افشار، دکتر باستانی پاریزی، اقبال یغمائی، و کسان دیگر می‌سپرد تا مقاله‌ای درباره آن بنویسند. مجله از نقد کوبنده برخی آثار که به ناحق به شهرتی دست می‌یافتند ابا نداشت و پاسخ صاحب اثر را هم ولو تند و بی‌محابا بود درج می‌کرد. در این بخش، قسمت‌ها و نوشته‌های بی‌امضا از یغمائی است.

یغمائی توفیق پیدا کرد
و توانست در عصری
که عمر مجلات جدی
چندان طولانی نبود
یکی از مهم‌ترین
نشریات ایران را به مدت
سی و یک سال مرتباً
انتشار دهد، بی آنکه
حتی وقعه‌ای یک ماهه
در شرح دهد، و در
این مدت دراز ذره‌ای از
اهداف خود که پژوهش
در راه مطالعات ایرانی و
زبان فارسی و تاریخ ایران
است کوتاه نیاید.

چنانکه اشاره شد یکی از قسمت‌های مفید مجله، درج خاطرات رجال سیاسی است، در سال‌های اول مجله، نوشته مفصل سیدابوالحسن علوی، از ایرانیان وطن‌پرست و مشروطه‌خواه، به چاپ رسیده و در سال‌های بعد خاطرات کسان دیگر از رجال، از جمله باید به سلسله مقالات بسیار خواندنی و سودمند دوستعلی خان معیرالممالک، نوه ناصرالدین شاه، اشاره کرد که چندین سال یادداشت‌های خود را تحت عنوان «رجال عصر ناصری» در مجله یغما می‌نوشت و خواستاران بسیار یافت. مجله یغما، نشریه‌ای سیاسی به‌شمار نمی‌رفت، اما گاه به طور جدی وارد عرصه سیاست می‌شد. مقالات مجتبی مینوی تحت عنوان «آزادی و آزادفکری» در سال‌های نخست مجله کاملاً جنبه سیاسی دارد،

یا در عصر ملی شدن نفت، ترجمه مقالات سیاسی مربوط به این جریان که توسط علیمحمد عامری نائینی، از مترجمان برجسته و از وطن‌خواهان پاک‌سرشت، صورت می‌گرفت، سرمشقی برای دیگران شد که در ترجمه موضوعات سیاسی دقت و امانت را رعایت کنند. در سال‌های بعد، با ورود دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن به جرگه نویسندگان یغما و با درج سلسله مقالات او، که مضامین آنها نوعی رهنمود سیاسی برای سیاست‌پیشگان و آحاد جامعه به‌شمار می‌رفت، باز هم مجله گام تازه‌ای در عرصه مطالب سیاسی و اجتماعی برداشت. نوشته‌های اسلامی هرچند بر قشر جوان دانشجو و انقلابی که خواستار تندروی است اثر مستقیمی

نداشت، لیکن گروه درس‌خواندگان میان‌سال و قشر بافرهنگ جامعه ایران همواره از آن استقبال کرده و خواننده دائمی مقالات او بوده‌اند، و وی را تشویق به ادامه نگارش نوشته‌هایش کرده‌اند، سخنان و گفتارهای بعضاً تند دکتر غلامحسین یوسفی نیز گاه موجب توقیف مجله و کنده شدن اوراق آن شده است.

مزیت دیگر یغما، چاپ مقالات و پژوهش‌های نویسندگان شهرستان‌ها و مناطق دوردست ایران بود، مقالات کسانی که برای نخستین بار آثارشان در یک نشریه مهم به چاپ می‌رسید. یغمائی شیوه خاصی در برکشیدن نویسندگان و شاعران نوآمده داشت. در سال‌های نخست انتشار مجله، او کسانی چون استاد مجتبی مینوی را، که تازه از لندن بازگشته بود و در ایران چندان شهرتی نداشت، برکشید و در هر شماره مقالاتی را از او به چاپ رساند به قسمی که در طی چند سال مقام یکی از دانشمندان پراوازه ایران را یافت. در همان زمان زبده‌ترین و برجسته‌ترین نویسندگان، دانشمندان، و شاعران ایران آثار خود را در یغما به چاپ می‌رساندند، کسانی چون: سیدحسن تقی‌زاده، ملک‌الشعرا بهار، علامه قزوینی، دهخدا، فروزانفر، دکتر صدیقی، عباس اقبال، جلال همایی، محیط طباطبایی و برخی دیگر، که چاپ مقاله جوان‌ترها می‌توانست برای این گروه اسباب سرافرازی و شهرت باشد.

یغما وظیفه خود می‌دانست که در بزرگداشت دانشمندان و ادیبان و شاعران و خدمتگزاران فرهنگ

مفید مجتبی مینوی، محمدعلی جمالزاده و چند تن دیگر اشاره کرد که در این بخش به وفور از آنها نقل شده است. در بخش اخبار ایران و جهان، که در سال‌های نخست انتشار مجله رونق بیشتری داشت، به حوادث ایران با دیدگاه ملی اشاره‌هایی می‌گردید. آخرین شماره متضمن اخبار مربوط به مرداد ۱۳۳۲ و گزارش وقوع کودتای ۲۸ مرداد است. ستون گزیده اخبار پس از آن برای همیشه تعطیل گردید.

در موارد متعدد، قطعات و اشعاری از یغمای جندقی، نیای مادری مدیر مجله، نقل شده؛ یغما، شاعری است که بخش عمده‌ای از آثار او متضمن هزلیات و مراثی است، در مجله معمولاً از سایر اشعار او یعنی غزلیات، قطعات، و رباعیات وی انتخاب‌هایی صورت گرفته است. همچنین مدیر مجله، از مقالات و ترجمه‌های برادر دانشمندش، اقبال یغمائی، به وفور استفاده کرده است، اقبال صاحب قلمی توانا بود و در ترجمه از فرانسه نهایت استادی را داشت. مقالات او به جز ترجمه‌ها مشتمل بر مباحثی از تاریخ قاجاریه و تاریخ فرهنگ جدید ایران است.

در مجله، معمولاً سروده‌های برتر شاعران سنت‌گرای معاصر با تشخیص و انتخاب مدیر مجله به چاپ می‌رسید. از چاپ اشعار نیمائی و شعر سپید پرهیز می‌شد. مدیر مجله در انتخاب شعرها و قطعات خواندنی دقت به خرج می‌داد و اگر از شاعران استاد و شناخته‌شده شعری دریافت می‌کرد که وی آن را لایق درج در مجله نمی‌دانست بی آنکه در فکر رنجش شاعر باشد از آوردن آن خودداری می‌کرد و انتقادهای را به جان می‌خورد.

بخشی از مندرجات اصلی یغما به چاپ اشعار معاصران اختصاص داشت. مجله

هرچند از درج اشعار نوگرایان و سرایندهای خاص سیاسی پرهیز می‌کرد، اما در دوره طولانی نشر مجله یغما نمونه‌های متعددی از سروده‌های تند سیاسی را می‌توان سراغ گرفت که گاه به توقیف کوتاه‌مدت نشریه منجر می‌گردید. به چند نمونه از این سروده‌های سیاسی و انتقادی اشاره می‌کنیم:

ایران هر چه بیشتر بکوشد. از این رو همیشه از همکاران خود می‌خواست که در معرفی کتاب‌ها و ارزیابی آثار و یا تذکار سایر خدمات ادبی و فرهنگی این اشخاص بکوشند و از تعریف و تمجید آنان نه‌راسند.

در صفحات آخر مجله، غیر از معرفی کتاب‌های تازه و وفیات معاصران، بخش‌هایی چون نامه‌های خوانندگان، حوادث ایران و جهان و «از هر خرمنی خوشه‌ای» بود.

مجله همواره نامه‌های مهم خوانندگان را، به‌خصوص آنها که متضمن سؤالی بود، همراه با جواب سؤال درج می‌کرد. رسم آن بود که هر سؤال را یغمائی نزد متخصص آن موضوع می‌فرستاد و سؤال و جواب را با هم به چاپ می‌رساند. در بخش وفیات معاصران، مدیر مجله در باب درگذشتگان تازه و مشهور مطالبی می‌نوشت و به‌ویژه خاطرات خواندنی خود از آنان را نقل می‌کرد، گاه نوشته‌های دیگران در باب درگذشتگان نیز در یغما درج شده است. در ستون «از هر خرمنی خوشه‌ای»، اخبار و حکایات کوتاه و مضامین

دلپذیر و نوادر نکته‌های خواندنی به نقل از کتب خطی و چاپی و یا خاطرات بزرگان و یادداشت‌های نویسندگان برجسته همکار یغما درج می‌شد. از جمله مخصوصاً باید به یادداشت‌های

یغما در سرمقاله نخستین شماره «یغما» هدف از انتشار مجله «یغما» را انتشار و شناساندن و بازگفتن و بازنوشتن آثار و گفتار بزرگان و هنرمندان ایران زمین خواند و تصریح کرد از درج مقاله‌های سودمند با نخواهد کرد، ولو آنکه نویسنده به مشرب‌های گوناگون ادبی و سیاسی و اجتماعی تعلق خاطر داشته باشد هدف اصلی انتشار افکار جدی و اصولی است که در نهایت جامعه ایران از آن بهره تواند برد. او اشاره می‌کند که آثار گویندگان امروز را نیز با احتیاط بررسی و مندرج خواهد کرد و ضمناً در هر شماره از درج مختصر حوادث ایران و جهان کوتاهی نخواهد کرد و فهرست وار متذکر آنها می‌شود.

۱. علامه دهخدا پس از سقوط دکتر مصدق و پیروزی کودتای ۲۸ مرداد منظومه بلندی تحت عنوان «در چنگ دزدان» سرود و در آن به تندى به سیاستمدارانی که مصدق را در نیمه راه کنار گذاشته و راه عافیت طلبی برگزیده بودند پر خاش کرد. یغمائی بنابر احتیاط این دو منظومه را در دو شماره متوالی مجله به چاپ رساند. این منظومه با ابیات زیر آغاز می‌گردد:

گفت با یاران خلیفه نیمه شب خوش‌تر آن باشد که این بزم طرب
با همه آلات تا کشتی بریم از هوای دجله لختی برخورداریم

خلیفه و یاران او به کشتی می‌نشینند اما جاسوسی خبر به دزدان می‌رساند و آنان ناگهان به کشتی بی سلاح حمله آورده و همه را دستگیر می‌کنند:

چون نماند اندر میان بس فاصله خواست از کشتی دزدان هل‌هله
چون ملخ زان پس به کشتی ریختند شور و غوغائی عجب انگیختند
و در آخر چنین آورده:

گفت با او کای امیر مؤمنان گشت اکنون آشکارا و عیان
که بود جاسوس دزدان را یقین در تمامی خانه‌های ما مکن...
آگهی کی داشتی در دجله دزد زانکه ما هستیم یکسر زن بمزد

ظاهراً شاعر از دجله «نفت خوزستان» و از قافله کشتی‌نشینان، یاران و همراهان دکتر مصدق را منظور داشته است.

۲. منظومه سفرنامه یغمائی که در سال اول مجله به چاپ رسیده و گزارش سفر او با شتر در مناطق کویری ایران است حاوی انتقادات تنیدی علیه رهبران سیاسی و اجتماعی ایران در آن روزگار است، ابیاتی از آن را می‌آوریم:

ریگ‌زار است و راه پیدا نیست ره‌شناسنده نیز با ما نیست
نه چراغی نه شعله‌ای نه مهی چون دل ظالمان، شب سیاهی
پیروی از نجیب جانوری به که از بی شعور راهبری
ناشناسندگان که راهبرند کاروان را به پرتگاه برند

۳. ابیاتی از قصیده دیگر یغمائی که درباره نقاط مختلف ایران سروده:

الغرض در سیاحت کشور رنج‌ها در ره گذر بینی
هر قدم پیش‌تر نهی آنجا غم و اندوه بیشتر بینی
از خرابی شمال را چو جنوب خاوران را چو باختر بینی

و در آخر:

وین دنی دایگان ملت را صاحب شوکت و خطر بینی
گونه‌گون جور و گونه‌گون تحمیل به کشاورز و کارگر بینی

گشت ملت ز خواب اگر بیدار
شام این ملک را سحر بینی
۴. از قصیده دیگر یغمائی درباره شیراز، ابیات اول این منظومه بلند در وصف زیبایی‌های طبیعی و هنری شیراز است و با این بیت آغاز می‌گردد:

شیراز را زیبا بتی بر بسته زیور بنگری
چون از فراز تنگه الله اکبر بنگری

و سرانجام چنین گوید:

دو روی دارد این جهان، روی عیان روی نهان
ز اندوه دیگرگون شوی گر روی دیگر بنگری
یغماگران گسترده خوان از دسترنج دیگران
وان را که می‌کوشد به جان نرلی محقر بنگری

ویرانه‌های تنگ‌نا، بی خانمان‌ها را سرا
و آن کاخ‌های اغنیا، اندوده از زر بنگری
زودا که دستی آهین آید برون از آستین
و آشفته وضعی را چنین از قهر کیفر بنگری

۵. قصیده دیگر که در دهه پنجاه در مجله به چاپ رسید و توقیف آن شماره را سبب شد سروده فریدون توللی، شاعر نام‌آور، بود. توللی با آنکه در جوانی به حزب توده گرایش داشت اما در دوران میان‌سال‌ی این اندیشه‌ها را از خود دور کرده بود، مع‌هذا هوس سرودن شعر سیاسی همواره در نهاد او وجود داشت.

او در بیت اول این قصیده رسماً محمدرضا شاه را مورد خطاب قرار داده و چنین گفته بود:

افسانه حب الوطنش دانه دام است
آن خواجه که خود بر در بیگانه غلام است

و یکی از ابیات آن درباره موشه دایان، وزیر دفاع وقت اسرائیل، بود که از یک چشم نابینا بود:

ایرانی و زبان فارسی و تاریخ ایران است کوتاه نیاید. او در عمر بالنسبه طولانی و پربرکت خود خدمات گوناگون به فرهنگ ایران کرد، اعم از تصحیح متون قدیمه، نگارش مقالات متعدد و سرودن شعرهای روان و مستحکم، اما بزرگ‌ترین خدمت او به زبان فارسی چاپ و نشر مجله یغماست، کاری که در این مملکت قضا و قدری شباهت به اعجاز دارد. او با دست خالی و همت بسیار به انتشار مجله یغما پرداخت و در این رهگذر موفق بود.

با تعطیل شدن و توقف کامل مجله یغما در اسفند ۵۷، جای خالی آن برای همگان آشکار شد. یغما هر چند تیراژی فراوان نداشت اما تأثیر اینگونه نشریات را نمی‌توان با مقیاس شمارگان آنها سنجید، چه بسا یک خواننده مطالب خواندنی و مفید را به ده‌ها نفر انتقال دهد.

ضمائم

در دوره سی و یک ساله یغما، رساله‌ها و مقالات بلندی به صورت ضمیمه مجله به چاپ رسیده که تعداد آنها به ۷۰ مورد می‌رسد، برخی مهم‌ترین آنها به این شرح است: «اقبال لاهوری» نوشته مجتبی مینوی، «قاعده استعمال بعضی از کلمات فارسی» اثر حسین سمیعی، «کتیبه‌های پهلوی» از هنینگ با ترجمه دکتر محمد معین، «قاعده‌ای از دستور زبان فارسی» از مجتبی مینوی؛ «بحثی در تصوف» از دکتر قاسم غنی، «بحثی در سیاست» از دکتر قاسم غنی، «دخمه ارغون» از حبیب یغمائی، «تاریخ انقلاب ایران» از سیدحسن تقی‌زاده، «یادگار زندگانی» نوشته محمدحسین امین‌الضرب، «مثلاث سعدی» تصحیح

بدکاره جهان جز به یکی چشم نبیند گر قاهره نابود شود نوبت شام است مجله بلافاصله توقیف شد و یغمائی با پادرمیانی‌هایی که شد توانست موافقت دستگاه را جلب کند با این شرط که شعر مذکور از مجله حذف شود، سراسر اوراق شعر فوق از تیراژ آن شماره کنده شد و به جای آن یغمائی مطلبی دیگر گذاشت تا مجله از مشقت سانسور آزاد گردید.

در دفتر مجله یغما، هفته‌ای یکبار انجمنی از استادان و نویسندگان مجله تشکیل می‌گردید. این جلسات ابتدا در بعد از ظهر یکشنبه‌ها و سپس شنبه‌ها برگزار می‌شد و کسانی چون مجتبی مینوی، سیدمحمد فرزانه، محیط طباطبائی، دکتر اسلامی ندوشن، دکتر سیدجعفر شهیدی، باستانی پاریزی، ایرج افشار، علیمحمد عامری، دکتر مهدوی دامغانی، دکتر مهدی محقق، دکتر محمدامین ریاحی و چند تن دیگر به‌تأویب در آن شرکت کرده و ساعاتی را به گفت‌وگوهای ادبی و اجتماعی می‌گذراندند.

یغما در بین نشریات جدی معاصر، پردوام‌ترین آنها بود. این مجله سی و یک سال به طور مرتب انتشار می‌یافت. البته نشر مرتب آن با زحمات فراوان توأم بود. به گفته باستانی پاریزی — همکار دائمی یغما — تداوم مرتب مجله دو علت داشت: اول آنکه یغمائی هرگز پست و مقام دولتی قبول نکرد؛ دوم آنکه همواره صفحات آن را محدود نگه می‌داشت مگر شماره‌هایی که ضمائم همراه داشت.

یغما اساس کار خود را، بر خلاف خیلی از نشریات جدی آن وقت، بر تألیف مقاله نهاده بود نه بر ترجمه، ماهنامه‌ها و نشریات دیگر اغلب بیشتر مواد خود را از ترجمه تأمین می‌کردند، اما بخش اعظم مجله یغما با فکر و قلم ایرانی نوشته می‌شد.

یغمائی برای ادامه کار یغما ناگزیر بود پاره‌ای نکات را رعایت کند گاه به گاه با دستگاه‌های امنیتی سر و کار پیدا می‌کرد، چندین بار مجله توقیف شد و هر بار مجبور شد صفحاتی از آن را تغییر دهد. گاه می‌بایست مقاله یا شعری را برای خوش‌آمد نویسنده چاپ کند، زیرا کنار آمدن با نویسندگان کار آسانی نبود، او تمام امور را خود یک تنه یا به همراهی یک نفر انجام می‌داد، از تصحیح مطلب تا رفتن به چاپخانه و پست‌خانه، همواره با همکاری یک کارمند مجله صورت می‌گرفت.

از مجله یغما در مدت سی و یک سال جمعاً ۳۶۶ شماره انتشار یافت. هر شماره معمولاً در اواخر هر ماه یا اوایل ماه بعد منتشر می‌شد، در آخر هر سال در شماره اسفند یا شماره فروردین، یغمائی سال نو را با سرودن یک قطعه شعر یا نگارش مقاله‌ای کوتاه تبریک می‌گفت.

یغمائی توفیق پیدا کرد و توانست در عصری که عمر مجلات جدی چندان طولانی نبود یکی از مهم‌ترین نشریات ایران را به مدت سی و یک سال مرتباً انتشار دهد، بی آنکه حتی وقفه‌ای یک ماهه در نشر آن رخ دهد، و در این مدت دراز ذره‌ای از اهداف خود که پژوهش در راه مطالعات

دکتر محمدجعفر واجد شیرازی، «ارزش میراث صوفیه» از دکتر عبدالحسین زرین کوب، «کتاب مستوفی و آذربایجان» از مهندس ناصح ناطق، «تخت پولاد» از علی دشتی، و دهها رساله و منظومه دیگر.

همچنین پس از تعطیلی مجله یغما، مدیر مجله چندین رساله و منظومه را به عنوان ضامم مجله بین سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ به چاپ رساند.

فهرست

برای مجله یغما دو فهرست مطالب تهیه و تدوین شده است:

۱. فهرست اول در ۹۴۳ صفحه قطع وزیری است که آن را فرزند مدیر مجله - پرویز یغمائی - زیر نظر ایرج افشار تدوین کرده و مقرر بود به هنگام تجدید چاپ مجله یغما به عنوان جلد سی و سوم مجله انتشار یابد، اما با فوت ناشر چاپ دوم مجله - مرحوم احمد علمی مدیر انتشارات ایران - چاپ این مجلد به عهده تعویق افتاده و تاکنون انتشار نیافته است.

۲. فهرست دوم به همت پژوهشگران مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران تحت عنوان «فهرست موضوعی مجله یغما» در ۳۸۵ صفحه فراهم آمده و توسط همان مرکز به چاپ رسیده است. این فهرست دارای ۴۸۱۵ مدخل است اما به تفصیل فهرست یاد شده در بالا نیست.

پانویسها

۱. متن سخنرانی نویسنده در کانون زبان پارسی، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵.

پند شاعر

منسوب به: حبیب یغمائی

...! آخر پیری چنین سودا چرا؟
سالها کوس ادب بنواختن بی جا چرا؟
از جوانان چاپلوسی و خطا خرفی نبود
تو که برف پیری ات بنشسته بر سیما چرا؟
بردگان را در جوانی گران تر می خرنند
خودفروشی زودتر می خواستی حالا چرا؟

۱. نام شاعر دانسته نشد.